

صفحه	فهرست مطالب	عنوان
۱		در آمد
۲		مقدمه
۳		تعریف جعل
۴		ارکان تشکیل دهنده جعل
۴		ارکان قانونی جعل
۴		ب - رکن مادی جعل
۴		۱ - سمت مرتکب
۵		۲ - فعل مرتکب
۵		الف (ساختن نوشته ، سند ، امضا و مهر
۵		۱ - نوشته
۵		۲ - سند
۶		الف (سند رسمی
۶		ب (سند عادی
۷		۳ - امضا
۷		۴ - مهر
۱۶		جعل و استفاده از سند مجعول
۲۰		ب (تغییر و تحریف (سند ، نوشته ، امضا و . . .
۲۰		جعل مادی
۲۰		الف : خراشیدن
۲۰		ب : تراشیدن
۲۰		ج : قلم بردن
۲۰		د : محو کردن
۲۱		ه : الحاق
۲۱		و : اثبات کردن
۲۱		ز : سیاه کردن
۲۱		ج : تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی
۲۱		ط : الصاق نوشته ای به نوشته دیگر
۲۱		ک : بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه ی صاحب آن
۲۵		۲ - جعل مفادی یا معنوی
۲۶		الف (تغییر حقیقت در مفاد یک سند
۲۶		ب (تغییر یا جعل اسامی اشخاص
۲۶		ج (امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را کل جلوه دادن
۲۶		ذ : چیزی را که به آن اقرار نشده
۲۹		ج (رکن معنوی جعل
۳۰		د (رکن ضرری (اضرار به غیر) در جعل
۳۳		مصادیق جعل مادی در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
۳۵		مصادیق جعل معنوی در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
۴۰		جرم جعل در سایر قوانین متفرقه
۴۱		استفاده از سند مجعول
۴۱		ارکان تشکیل دهنده جرم استفاده از سند مجعول
۴۱		الف - رکن قانونی
۴۲		ب - رکن مادی

۴۲	۱ - سمت مرتکب
۴۲	۲ - موضوع جرم
۴۲	۳ - فعل مرتکب
۴۴	ج - رکن معنوی استفاده از سند مجعول
۴۴	مجازات استفاده از سند مجعول
۴۹	معاذیر قانونی موثر در مجازات بعضی از اقسام جعل و استفاده از سند مجعول
۴۹	الف (مواد معافیت یا تخفیف از مجازات در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
۵۰	ب - تعلیق مجازات جرم جعل و استفاده از سند مجعول
۵۰	نوع تأمین در مرحله دادرسی در جعل و استفاده از سند مجعول
۵۲	خودآزمایی
۵۵	بررسی علل و انگیزه ارتکاب جعل (چکیده)
۵۹	اطلاعات تفصیلی زمینه ها و علل مؤثر به ارتکاب جرم جعل
۶۲	شناسنامه تفصیلی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم جعل
	فهرست منابع

درآمد:

بدون تردید تبیین تخصصی، کاربردی حقوق جزای اختصاصی پیرامون هر یک از پدیده‌های جزایی می‌تواند علاوه بر روشنگری قضات محترم، بستری را جهت تضارب آراء و تعاطی افکار در خصوص بررسی زوایای ناشناخته برخی از ابعاد مرتبط با جرم جعل، ایجاد نماید. مجموعه‌ای که به جامعه اندیشمند قضایی در سازمان قضایی نیروهای مسلح تقدیم می‌گردد، محصول دیگری از تلاشهای ارزنده گروه پژوهش‌های قضایی^۱ است که همانند جزوه‌های تقدیمی پیشین، با رویکردی کاملاً کاربردی برای آموزش غیرحضوری متصدیان امر قضا در دادسرا و دادگاههای نظامی با هدف ایجاد شناخت هرچه بهتر، به یکی از جرایم علیه آسایش عمومی و ساختار اداری و اجرایی کشور تدوین گردیده است و امید آن داریم این جزوه آموزشی بتواند پاسخگوی بخشی از نیازهای آموزشی همکاران قضایی بوده و ضمن افزایش دانش قضایی، آنان را در امر خطیر و سنگین قضاوت یاری نماید.

همکاران ما در اداره کل دفتر آموزش و پژوهش انعکاس کاستی‌ها و ارائه پیشنهادات و نظرات سازنده را ارزنده‌ترین هدیه و نکوداشت تلاشهای خود می‌دانند تا از این رهگذر، در تدوین متون آموزشی بعدی گام‌های بلندتری را بردارند.

دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م دیماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت (۱۳۸۷)

مقدمه: جعل و تزویر از جمله جرایمی است که اعتماد عمومی جامعه را نسبت به اسناد و مدارک سست و بی‌رنگ می‌سازد. از این رو، جعل را از جرایم علیه امنیت یا مرتبط با امنیت و آسایش عمومی می‌دانند و هدف مقنن از برخورد با جاعلین و استفاده‌کنندگان از سند جعلی نیز حمایت از نوشته‌ها، اسناد و مدارک و اعتبار آنهاست. پیشرفت علوم و دستاوردهای جدید بشری در زمینه‌های مختلف علمی، در پیچیده‌تر شدن جرایم و ظهور جرایم جدید مؤثر بوده است؛ هم‌چنان که امروزه با بزه‌های نوینی چون جرایم رایانه‌ای و سایبر روبه‌رو هستیم. جعل به تأثیر از این پیشرفت ضمن آن‌که گسترش یافته، بسی هم پیچیده‌تر شده است. این شیوع و پیچیدگی بسیاری اوقات قضات را در تشخیص موضوع و انطباق عمل مجرمین با مواد قانونی دچار مشکل می‌سازد.

از آنچه به اجمال ذکر شد ضرورت پرداختن به جرم جعل روشن می‌شود و تعدد و پراکندگی قوانین مربوط به جعل این ضرورت را آشکارتر می‌سازد. در این مختصر تلاش شده اهم مباحث مرتبط با جعل طرح و در حد میسر تبیین گردد و قوانین پراکنده مربوط به جعل نیز جهت سهولت دسترسی یکجا جمع شود. برای کاربردی‌تر شدن بحث ضمن استناد به آرای دیوان بعضی فروضات قضیه در قالب سؤال یا پرونده طرح شده‌اند.

تعریف جعل :

جعل در لغت به معنای ساختن، گردانیدن و خلق کردن؛ تزویر به معنای دروغ‌پردازی و گول‌زدن است. در قوانین ما تعریفی برای جعل ارائه نشده، بلکه تنها به مصادیقی از آن اشاره یا به نحوه و چگونگی جعل پرداخته شده است. شاید تنها موردی که بتوان آن را تا حدی تعریف جعل تلقی نمود، ماده ۵۲۳ ق. مجازات اسلامی (تعزیرات) است.

ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی :

جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب.

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، قانونگذار در ماده فوق بیش از آن که در صدد تعریف جرم جعل باشد در مقام ذکر مصادیق به نحو تمثیل است؛ پس ناگزیریم با مراجعه به آثار حقوقدانان صاحب‌نظر، تعریفی برای جعل ارائه کنیم. برای روشن شدن موضوع به برخی از تعاریفی که در این باب آورده شده است اشاره می‌کنیم.^(۲)

۱- جعل عبارت است از تحریف متقلبانه واقعیت در نوشته به وسیله‌ای که قانون تعیین کرده و به نحوی که منشاء زیان و خسارت باشد.^(۳)

۲- جعل عبارت است از قلب متقلبانه یک حقیقت یا امور دیگری در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به یکی از طرق مذکور در قانون.^(۴)

با توجه به تعاریف فوق شاید بتوان جعل را چنین تعریف نمود:

« جعل عبارت است از تحریف یا تغییر یا ساختن متقلبانه یک نوشته یا سند به قصد اضرار

به غیر و به طرق پیش‌بینی شده در قانون. »

^۲ - محمدباهری، حقوق جزای عمومی، ص ۲۲۰.

^۳ - ابراهیم یاد، حقوق جزای اختصاصی، ص ۹۶.

^۴ - جزوه درسی دکتر آزمایش.

ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که از نظر قانونگذار، عبارت جعل و تزویر مترادف بوده و معنای واحدی را افاده می‌کنند.

ارکان تشکیل دهنده جرم جعل:

علاوه بر سه رکن قانونی، مادی و معنوی که درهمه جرایم مشترک است، بعضی از حقوقدانان علاوه بر سه رکن یادشده، رکن دیگری تحت‌عنوان رکن ضروری را در تحقق این جرم ضروری می‌دانند.

درباره هریک از ارکان یادشده، در ذیل مطالبی بیان خواهد شد.

الف - رکن قانونی جعل:

یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم، عنصر قانونی است. به این معنا که فعل یا ترک فعل قبلاً از طرف قانونگذار به‌عنوان جرم معرفی و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شده باشد. در مورد عنصر قانونی جعل می‌توان به مواد (۵۲۳ تا ۵۴۳) قانون مجازات اسلامی و مواد (۹۵ تا ۱۰۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اشاره نمود. علاوه بر این، برخی قوانین متفرقه نیز اعمالی را جعل تلقی و مجازاتی را بر آن بار نموده‌اند که در جای خود بدانها اشاره خواهد شد.

ب - رکن مادی جعل:

در رکن مادی، موارد ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱ - سمت مرتکب:

قانونگذار در اکثر مواد مربوط به جرم جعل و تزویر و یا استفاده از سند مجعول، از کلمه «هرکس» استفاده نموده که شامل هر فرد اعم از ایرانی و غیر ایرانی، زن و مرد و مستخدم دولت یا غیر آن می‌باشد؛ لیکن در قانون م.ج.ن.م. در مواد مربوط از کلمه «هر نظامی» استفاده

نموده که فقط شامل افراد نظامی می‌باشد و این عنوان عام نیز قطعاً هم شامل پرسنل رسمی و هم شامل پرسنل قراردادی و پیمانی و یا نیروهای وظیفه خواهد شد.

۲- فعل مرتکب:

عمل مرتکب جرم جعل و تزویر، همان فعل مثبت مادی خارجی است که در قانون پیش‌بینی شده است که به دو صورت تحقق می‌پذیرد: به صورت ساختن و یا به صورت تحریف و تغییر.

الف) ساختن نوشته، سند، امضا و مهر

ساختن نوشته یا سند و ... درحالتی است که سند یا نوشته یا مهر و امضا وجود ندارد و متقلبانه به وجود می‌آید و ساخته می‌شود. بنابراین، ممکن است جعل به صورت یکی از این اشکال واقع شود. صدر ماده (۵۲۳) قانون مجازات اسلامی، این حالت را بیان نموده که به توضیح و تبیین آن می‌پردازیم. ماده مزبور، ساختن نوشته، سند و ... را مطرح نموده؛ سؤال این است که سند، نوشته، امضا و مهر چیست؟!

۱- نوشته:

منظور از نوشته: حروف، کلمات، ارقام و علامتهایی هستند که با قرار گرفتن در کنار هم پیام و معنایی را القا کنند و قابل خواندن باشند و از نظر عرف و قانون به عنوان سند قابل استناد نباشند. مانند نامه‌های عادی.

۲- سند:

نوشته‌ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. یا به عبارت دیگر سند باید مثبت حق بوده و دارای ارزش قضایی باشد. سند انواعی دارد که در تشخیص مقررات قانونی مؤثر است. قانون مدنی اسناد را به دو دسته تقسیم می‌کند: سند رسمی و سند عادی (غیررسمی)

الف) سند رسمی:

سندی است که به وسیله یکی از مأمورین رسمی در حدود صلاحیت او برابر مقررات قانونی تنظیم شود و به تعبیر قانون مدنی «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است.» با توجه به تعریف سند رسمی باید دارای شرایط ذیل باشد ::

الف - به وسیله مأمور رسمی تنظیم شده باشد .

ب - مأمور رسمی در تنظیم سند صلاحیت داشته باشد .

ج - در تنظیم سند رعایت مقررات مربوط شده باشد .

ب) سند عادی:

سند عادی سندی است که به وسیله افراد عادی تنظیم می شود و معمولاً تابع تشریفات خاصی نیست و مأمور رسمی در تنظیم آن دخالتی ندارد و در صورتی هم که سند به وسیله یکی از مأموران رسمی تنظیم اسناد تهیه شده باشد؛ لیکن مأمور صلاحیت تنظیم سند را نداشته باشد و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد؛ در صورتی که سند دارای امضا یا مهر باشد، سند عادی است. به طور کلی شرط اصلی سند عادی، امضای آن به وسیله طرف است و تا نوشته ای امضاء نشود اعتباری ندارد و سند محسوب نمی شود، امضاء شرط لازم یک سند عادی است.^(۵)

در تقسیم دیگری اسناد به اصیل و اتفاقی تقسیم می شوند.

سند اصیل : سندی است که از ابتدا برای ایجاد یک رابطه حقوقی تنظیم و نوشته می شود.

سند اتفاقی: برخلاف سند اصیل بدواً برای ایجاد رابطه حقوقی تهیه و تنظیم نمی گردد؛

ولی اتفاقاً تبدیل به سند می شود مانند مکاتبات خصوصی که مقصود و هدف افراد در آنها

^۵ - منظور از امضاء اعم از امضاء مهر یا اثر انگشت می باشد .

ایجاد رابطه حقوقی نیست، ولی اتفاقاً ممکن است در همان نوشته خصوصی چیزی باشد که در یک دعوای کیفری یا حقوقی مورد استناد واقع شود.

۳- امضا:

امضا عبارت است از علامت انتخاب شده توسط اشخاص که معمولاً مطابق ذوق و سلیقه خود جهت تأیید و تصدیق نوشته‌ها به خود اختصاص می‌دهند و یا به عبارت دیگر، امضا علامتی است که شخص در زیر یک سند یا نوشته برای منتسب کردن آن به خود می‌گذارد.

۴- مهر:

وسیله‌ای است که از فلز یا مواد دیگر ساخته می‌شود و در تنظیم اسناد و قراردادها و مکاتبات رسمی و غیر رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سؤال: اگر کسی با وسایلی مثل چوب، فلز و ... شبیه مهر شخص دیگری را بسازد و بدون این‌که از آن استفاده‌ای کرده باشد آن را نزد خود نگاه دارد، آیا این کار جعل تلقی می‌شود؟

جواب: با عنایت به صدر ماده (۵۲۳) که مقرر داشته: ((ساختن مهر)) و انتهای ماده که می‌گوید ((به قصد تقلب)) می‌توان چنین پاسخ داد که هر ساختن مهری جعل نیست بلکه تنها ساختنی که به قصد تقلب باشد جعل محسوب و موجب مجازات جاعل خواهد شد. البته این ماده برای ساختن مهر، مجازاتی ذکر نکرده و نمی‌تواند به عنوان عنصر قانونی جرم مورد استناد قرار گیرد بلکه باید سراغ دیگر مواد قانونی رفت.

آیا شبیه سازی، در رکن مادی جعل شرط است؟

در صورتی که سند یا نوشته و ... به صورت متقلبانه ساخته شود، آیا باید با سند و یا نوشته اصلی شباهت داشته باشد یا خیر؟ مثلاً کسی امضای یک مقام دولتی یا عادی را جعل می‌کند،

آیا صرف انتساب کافی است و همین که زیر نوشته قید شد « مدیرکل » و او امضا کند کافی است؟

این که شبیه سازی در جعل شرط است یا نیست، دو نظریه وجود دارد:

گروه اول معتقدند: امضای جعلی لزومی ندارد که مشابه امضای اصلی باشد و صرف انتساب کافی است و لازم نیست بررسی کنیم که شباهت وجود دارد یا خیر؛ مثلاً با یک نامه جعلی به زندان اعلام می کند که آقای (الف) اگر به علت دیگری بازداشت نباشد آزاد گردد و در ذیل نامه می نویسد رئیس شعبه ... دادگاه و امضا می کند. این گروه می گویند در قانون، هیچ جا نیاورده است که شبیه سازی شرط است؛ اگر نیاز بود، قانونگذار همان طور که در تقلب در مسکوکات صراحتاً شبیه سازی را شرط دانسته، در جعل هم شبیه سازی را شرط تحقق جعل می دانست؛ و چون تصریح نکرده، قانوناً لازم نیست شباهت وجود داشته باشد.

دیوان عالی کشور، آرای متفاوتی در این خصوص صادر نموده که در مواردی نظر گروه اول را تأیید نموده است.

به موجب رأی شماره ۷۰۵۶-۱۳۱۶/۶/۱ دیوان عالی کشور: « شبیه سازی و تقلید اگر در بعضی موارد مثل جعل اسکناس یا جعل نشان دولتی و امثال آن از اشیای معروف نزد همه کس لازم دانسته شود برای آن است که با عدم شباهت، عنوان ساختن آن شیء صادق نمی آید؛ نه از باب آن که شبیه سازی به طور کلی از ارکان جعل است. بنابراین اگر کسی قبض حواله را جعل و به این کیفیت وجهی وصول کند، اگرچه هیچ گونه شباهتی بین امضای حواله مجهول و امضای واقعی نباشد باز عمل جعل است، »

یا شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۲۸۸-۲۵/۵۶۲۷ اعلام داشته: « در موارد مربوط به جعل، قید شباهت نشده و در جعل امضا شرط نیست. بنابراین... »

گروه دوم معتقدند: که شباهت لازم است و حتماً باید امضای جعلی با امضای اصلی شباهتی داشته باشد و اگر شبیه نباشد جعل واقع نمی‌شود. استدلال این گروه این است که می‌گویند متبادر به ذهن از ساختن سند، نوشته، مهر و امضا این است که کسی یک شیء، سند و ... را مدل قرار می‌دهد و مطابق آن را می‌سازد. بنابراین، باید یک شباهتی وجود داشته باشد و صرف انتساب کافی نیست؛ ولی شباهت کامل لازم نیست، بلکه اگر بیننده عادی دچار اشتباه شود کفایت می‌کند. در این مورد هم دیوان عالی کشور، آرای متعددی صادر نموده که به دو نمونه آن بسنده می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۸۱۱۸ اعلام داشته: «چون ساختن از ارکان جعل است و متبادر به ذهن از کلمه مزبور، شبیه‌سازی است و اگر مشابهتی درکار نباشد ساختن محقق نیست؛ شبیه‌سازی لازمه تحقق جعل است و درجه شباهت و کیفیت آن به ترتیبی باید باشد که در بادی نظر موجب التباس با واقع گردد.»

یا به موجب رأی ۲۳۳ - ۱۳۱۶/۱/۳۱، دیوان عالی کشور اعلام داشته: ((جعل و تزویر که مطابق ماده (۹۷) قانون مجازات عمومی عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت، در صورتی محقق می‌شود که در نوشته یا سند شبیه‌سازی رعایت شده و مشابهتی موجود باشد؛ به طوری که ممکن باشد برای اشخاصی که سواد خواندن دارند در بادی نظر اسباب اشتباه شود و نوشته عادی که شبیه‌سازی در آن رعایت نشده عنوان ساختن نوشته یا سند بر آن صادق نیست و مشتبه شدن بر اشخاصی که سواد خواندن اوراق و تمیز دادن نوشته شبیه و غیرشبیه را ندارند موجب صدق جعل نمی‌باشد.))

هر دو گروه در یک مورد با هم وحدت نظر دارند و آن جعل در اسکناس است؛ در جعل اسکناس، شبیه‌سازی را شرط می‌دانند و استدلال می‌کنند که اسکناس جعلی اگر شبیه اسکناس

اصلی نباشد وارد گردش پولی نمی‌شود. پس حتماً باید شباهتی باشد تا اسکناس مجعول وارد گردش پولی شود تا استفاده‌کنندگان نتوانند به راحتی اسکناس مجعول را از اصلی تشخیص دهند.

ولی باید گفت، در غیر اسکناس نیز وجود شباهت به طوری که امکان به اشتباه انداختن افراد متعارف باشد، ضروری است؛ مثلاً در جعل گواهینامه رانندگی، کارت معافیت، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی و مانند اینها وجود شباهت ضرورت دارد؛ چون اگر شباهتی میان مدرک اصلی و مجعول نباشد کسی به آن واقعی نمی‌نهد. جاعل نیز بدون مدنظر داشتن این شباهت‌ها و شبیه‌سازی‌ها دست به جعل نمی‌زند. در همان مثال قبل، نوشتن نامه به زندان برای آزاد ساختن متهم قطعاً جاعل، نامه را در یک ورق بدون آرم نمی‌نویسد، بلکه حتی المقدور تلاش می‌کند آن را در کاغذ نشان‌داری که نشان دادگستری یا سازمان قضایی را دارد بنویسد و در ذیل نوشته نیز مهری شبیه شعبه مربوط یا اجرای احکام ضرب نماید. عبارات، شکل و فرم نامه نیز مشابه همانی باشد که قاضی مربوط می‌نویسد؛ چون اگر هیچ شباهتی میان مدرک مجعول و دادگاه یا شعبه‌ای که نامه منتسب به آن است نباشد، خود سازنده مدرک جعلی بدون مدنظر داشتن آن شباهت‌ها اصلاً دست به جعل نمی‌زند؛ زیرا می‌داند که زندان ترتیب اثری به نامه نخواهد داد و قطعاً هم همین‌طور است که زندان به این نامه ترتیب اثر نخواهد داد. بنابراین، جاعل پیش از جعل غالباً مؤثر واقع شدن مدرکی را که می‌سازد در نظر دارد و این همان شبیه‌سازی است. پس در این موارد، شباهت یکی از ارکان تشکیل دهنده جرم است.

پس از آنجا که معمولاً در تمام موارد جعل فقدان شباهت منشاء اثر بودن جرم را از بین می‌برد؛ باید قایل شد که شباهت در همه موارد جعل ضروری است. در نتیجه، نمی‌توان شباهت را تنها محدود به اسکناس مجعول دانست. به نظر می‌رسد وجود شباهت، به همه موارد جعل

قابل تسرّی است و نظر گروه دوم ارجح و نزدیک به صواب می باشد. در رابطه با این موضوع، سوالات دیگری مطرح است.

به حکایت محتویات پرونده، آقای الف بر روی چک آقای ب که حساب بانکی وی مسدود می باشد و از نظر موازین قانونی قابل پرداخت نیست امضاء آقای ب را جعل می کند، آیا آقای الف مرتکب بزه جعل شده است یا خیر؟

پاسخ :

اساس جرم جعل، آن است که سند یا نوشته مجعول با این قصد ساخته شود که اشخاص را فریب دهد تا آن را به عنوان اصل سند نوشته پذیرفته و مورد عمل قرار دهد و از این طریق ضرری هرچند بالقوه ایجاد شود. بنابراین، هرگاه چنین احتمالی از نظر افراد عادی ممکن باشد، جرم جعل محقق خواهد شد؛ هرچند که درعمل، نوشته یا امضای شخص مذکور فاقد اثر باشد.

پرسش :

به استناد پرونده شماره.... آقای الف برای خروج آقای ب از کشور، برگه ای را جعل می نماید، با علم به این مطلب که خروج از کشور الزاماً با گذرنامه مقدور می باشد، آیا می توان عمل را جعل برگه مذکور تلقی نمود؟

پاسخ :

اگر نوشته یا امضا به طور واضح و آشکار از نظر افراد عادی غیرقانونی و فاقد اثر تشخیص داده شود، به نظر می رسد نمی توان گفت که جعل تحقق یافته است. اما اگر چنین نباشد و قابل تشخیص نباشد و فرضاً به نحوی مؤثر در خروج از کشور باشد، جعل تلقی نمودن آن چون واجد ارکان این جرم گردیده بلاشکال است.

شخص (الف)، چهل متر از سیصد متر ملک موروثی را با سند عادی، حاکی از این که سهم سایر وراثت را خریداری کرده، به شخص (ب) طی چکی به مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان، طبق قولنامه عادی فروخته و چک آن را دریافت کرده است. شخص (ب) جهت ساخت و ساز ملک، اقدام به تخریب آن می نماید، لیکن با اعتراض سایر وراثت مواجه گردیده و معلوم می شود که شخص (الف) نه تنها سهم سایر وراثت را خریداری نکرده، بلکه سند عادی نیز ساختگی می باشد و همچنین چهل متر فروخته شده از سهم معینه وی نبوده، بنابراین، شخص (ب) در مقام شکایت برای استرداد چک (چک هنوز وصول نشده) و تعقیب کیفری شخص (الف) برمی آید و پرونده ای در این مورد تشکیل می شود که منتهی به بازداشت وی می گردد.

حال با توجه به صورت مسئله، و با فرض اینکه شخص (الف) نظامی می باشد، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده بودید:

اولاً: اتهامات انتسابی به شخص (الف) را از مصادیق چه جرمی می دانید و با کدام یک از مقررات کیفری قابل انطباق دانسته و چه مجازاتی برای آن در نظر می گیرد؟

ثانیاً: چنانچه در جریان دادرسی، شخص (ب) چک خود را از (الف) دریافت نماید و از شکایت خود صرف نظر کند، چه تاثیری در روند دادرسی و محکومیت (الف) دارد؟

ثالثاً: شکایت وراثت علیه خریدار، تحت عنوان تخریب ملک، قابل تعقیب است یا خیر؟ و در هر صورت، خسارت ناشی از تخریب ملک به عهده چه کسی است؟^(۶)

پاسخ :

اولاً : با فرض اینکه آقای (الف) با ارائه سند مجعول، مبنی بر خریداری سهم الارث سایر ورثه مورث خود، مالک شش دانگ قطعه زمین سیصدمتری می باشد و در چنین صورتی، چهل متر مربع مفروز از زمین مورد شکایت رابه آقای (ب) فروخته و چکی به مبلغی یک میلیون و چهارصد هزار تومان دریافت کرده است، عمل آقای (الف) جعل سند عادی و استفاده از سند مجعول و فروش ملک متعلق به غیر است، که به استناد مواد (۴۷ و ۵۲۳ و ۵۳۶) قانون مجازات اسلامی و ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب سال ۱۳۰۸ و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و برابر مفاد آرای وحدت رویه شماره ۵۹۴ مورخ ۷۳/۹/۱ و شماره ۶۲۴ مورخ ۷۷/۱/۱۸ و با رعایت قاعده تعدد، آقای (الف) به تحمل حبس تعزیری و رد مال و پرداخت جزای نقدی معادل وجه دریافتی محکوم خواهد شد .

ثانیاً : در صورت گذشت شکات، به لحاظ غیر قابل گذشت بودن جرایم انتسابی، دادگاه به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و با رعایت تبصره ذیل ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، فقط می تواند مجازات حبس متهم را به حداقل مجازات مقرر در قانون مذکور تقلیل دهد .

ثالثاً: به لحاظ اینکه خریدار زمین به اعتبار اینکه زمین ملکی خریداری خود را تخریب می نماید، به علت نداشتن سوء نیت مجرمانه با قصد اضربه غیر، عمل نامبرده فاقد وصف مجرمانه بوده و قابل تعقیب نمی باشد .

رابعاً : نظر به اینکه آقای (الف) با سوء نیت و تشبث به وسایل متقلبانه و جعل سند و فروش ملک غیر باعث ورود خسارت به شکات گردیده، مشارالیه بایستی از عهده خسارت وارد شده به آنها برآید .

خامساً : نظر به اینکه جعل و استفاده از سند مجعول و فروش ملک غیر، از جرایم خاص نظامی و انتظامی نبوده و همگی از جرایم عمومی هستند، رسیدگی به جرایم عنوان شده در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های عمومی محل وقوع جرم است، ولو اینکه متهم نظامی باشد .

شخص (الف) طی شکایتی اعلام کرده‌است، آقای (ب) ضمن تهیه استشهادیه به امضای خود و چند نفر اشخاص مجهول الهویه، مدعی شده‌است که شخص (الف) در حضور آنها نسبت به مقامات مملکتی توهین نموده‌است . در جریان رسیدگی، به جز (ب) که از طریق استکتاب، خط و امضای وی توسط کارشناس تأیید می‌گردد، بقیه افراد کننده شناخته نمی‌شوند و معلوم می‌شود که خود (ب) از طرف آنها ذیل استشهادیه را امضا کرده‌است و (الف) نیز، ارتکاب اهانت به مقامات مملکتی را انکار و آن را کذب محض اعلام می‌کند و (ب) نیز ضمن اظهار ندامت، به عمل مجرمانه خود اعتراف می‌کند . باتوجه به داده‌های مسئله، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید :

اولاً : اتهام انتسابی به (ب) از مصادیق چه جرمی است و با کدام یک از مواد قانون مجازات اسلامی قابل انطباق می‌باشد و او را مستحق چه مجازاتی می‌دانید ؟

ثانیاً : تأثیر گذشت (الف) را تا چه حد مؤثر در میزان مجازات می‌دانید ؟^(۷)

پاسخ :

اولاً : در رابطه با تنظیم استشهادیه ساختگی به امضای (ب) و دونفر مجهول الهویه با توجه به اینکه یکی از شرایط تحقق بزه جعل، ورود ضرر به منتسب الیه می باشد، که در فرض سؤال به لحاظ مجهول بودن منتسب الیهما (ورود ضرر) منتفی است، جرم جعل نیز منتفی می باشد، هرچند عقیده خلاف نیز در این خصوص وجود دارد. شخص (ب) صرفاً به اتهام جرم افترا (اسناد جرم و عجز از اثبات آن) موضوع ماده (۶۹۷) قانون تعزیرات اسلامی، قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

ثانیاً : با توجه به اینکه قانونگذار به صراحت ماده (۷۲۷) قانون تعزیرات اسلامی، جرم افترا را از جرایم قابل گذشت تلقی نموده است، بنابراین، تعقیب بزه افترا با شکایت شاکی شروع می شود، اما با گذشت شاکی تعقیب موقوف نمی شود و طبق ماده (۷۲۷) قانون مجازات اسلامی، دادگاه می تواند در مجازات متهم تخفیف قابل شده و یا تعقیب راموقوف نماید.

نکته :

در صورتی که عقیده خلاف (عدم ضرورت ورود ضربه منتسب الیه) اختیار شود، عمل ارتكابی شخص (ب) مستنداً به مادتين (۵۲۳ و ۵۳۶) قانون تعزیرات اسلامی، جعل و قابل تعقیب می باشد و عمل اخیر وی (ارائه سند مجعول) مشمول قاعده تعدد معنوی موضوع ماده (۴۶) قانون مجازات اسلامی (فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم) می باشد. به این شرح که شخص (ب) با ارائه سند مجعول، علاوه بر اینکه مرتکب بزه استفاده از سند مجعول موضوع قسمت اخیر ماده (۵۳۶) قانون تعزیرات گردیده، جرم افترا موضوع ماده (۶۹۷) قانون تعزیرات نیز نسبت به آن عمل قابل اعمال می باشد.

جعل و استفاده از سند مجعول

شخص الف از طریق جعل سند به طرفیت آقای ب در محاکم حقوقی طرح دعوا می‌کند و دادگاه با استناد به سند مجعول به نفع خواهان حکم صادر می‌نماید سپس خوانده با اطلاع از مجعول بودن سند مبادرت به طرح شکایت کیفری علیه خواهان می‌نماید، مجازات قانونی خواهان با توجه به ماده واحده تفسیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۴ دی ماه ۱۳۱۴، راجع به کلاهبرداری چه خواهد بود؟ آیا جرم از جمله جرایم استفاده از سند مجعول می‌باشد و یا مصداق هردو بوده و از جمله موارد تعدد معنوی است. در هر صورت مجازات قانونی عمل چیست؟^(۸)

پاسخ :

نظر اکثریت : علی رغم پذیرش عدم نسخ ماده واحده تفسیر ماده (۲۳۸) قانون مجازات عمومی، در سؤال مطروحه، باید اذعان داشت اگر چه سند مجعول، سند قلب شده است، لیکن از آنجا که به واسطه چنین سندی، شخص توانسته است حکمی دریافت کند که به موجب آن مثلاً مالک مالی شناخته شود، قانونگذار برای چنین جرمی وصف مجرمانه خاص با مجازاتی خاص در نظر گرفته است که همان جرم استفاده از سند مجعول می‌باشد، همچون صدور چک بلامحل، که سابق بوضع قانون صدور چک، صادر کننده چنین چکی کلاهبردار محسوب و مشمول مجازات قانونی مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی می‌شد، زیرا اگر قائل شویم به این که در سؤال مذکور شخص خواهان، مرتکب جرم کلاهبرداری شده است، با عنایت به ماده واحده تفسیر ماده ۲۳۸ که می‌گوید : «... حيله و تقلب را در خارج اعمال کنند و یا در ضمن امر در ادارات ثبت یا سایر ادارات دولتی یا محاکم و ...» دیگر مصداقی برای جرم استفاده از سند مجعول وجود نخواهد داشت، البته هرگاه استفاده از سند مجعول از جمله

۸ - مجموعه نشست‌های قضایی جلد ۲ - مسایل قانون مجازات اسلامی (۲) معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضاییه دفتر بررسی و تهیه متون آموزشی ص ۱۳۴ تا ۱۳۶
 دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م. *****

وسایل متقلبانه و نه تنها وسیله، برای بردن مال دیگری باشد موضوع متفاوت خواهد بود، لذا در سؤال یاد شده جرم از مصادیق استفاده از سند مجعول بوده و مرتکب باید به مجازات قانونی آن محکوم شود.

نظر اقلیت :

همانگونه که در نظر اکثریت آمده است از آنجا که مفاد ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی (دوماده آن) نسخ نشده است، تفسیر نیز کماکان به قوت خویش باقی است. همچون اعتبار آرای وحدت رویه‌ای که علی‌رغم نسخ شکلی مواد، موضوع آن به دلیل عدم نسخ مفاد آن، به اعتبار خویش باقی می‌باشد. از آنجا که در سؤال، خواهان از سند مجعول به عنوان یک وسیله متقلبانه استفاده نموده و با ارائه آن به دادگاه، مال دیگری را برده است مورد از موارد استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری و از مصادیق تعدّد معنوی بوده و شخص خواهان باید به مجازات اشد که مجازات جرم کلاهبرداری است محکوم شود، مصداق سند مجعول و نه کلاهبرداری، آنجا است که شخص با استفاده از سند جعل شده، مالی به دست نیاورده باشد مانند شخصی که با گواهی نامه جعلی مبادرت به رانندگی نماید.

نظر کمیسیون

نشست قضایی (۱) جزایی :

۱- ماده (۲۳۸) قانون مجازات عمومی سابق به موجب ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی صریحاً نسخ شده است و به طریق اولی ماده واحده تفسیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۴ هم منسوخ است

۲- در فرض مطروحه، عنوان گردیده که شخصی از طریق جعل سند به طرفیت دیگری طرح دعوا کرده است، با این وصف، هم بزه جعل محقق گردیده و هم بزه استفاده از سند مجعول که هریک مجازات خاص خود را دارد و موضوع در ضمن دارای عنوان تعدّد مادی

است و در نتیجه نظر اکثریت در حدی که عنوان شده به مجازات استفاده از سند مجهول هم باید محکوم شود، صحیح به نظر می‌رسد.

شخص «الف» چک متعلق به «ب» را امضا نموده در صورتی که امضایش هیچ شباهتی با امضای «ب» ندارد، آیا جرم جعل تحقق یافته است یا خیر؟^(۹)

پاسخ :

اتفاق آراء

در فرض مسأله با توجه به تمامی مواد قانون مجازات اسلامی، ملاحظه می‌شود که در هیچ یک از مواد مذکور، شبیه‌سازی به عنوان شرط، قرار داده نشده است و در ماده ۵۲۳ قانون مذکور نیز مقنن به طور صریح عبارت «ساختن امضای اشخاص» را آورده است، بنابراین، در مانحن فیه، جرم جعل محقق شده است و نظریه شماره ۷/۷۶۸۱-۷۳/۱۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید این نظر است.

نظر کمیسیون :

نشست قضایی (۲) جزایی: شبیه سازی امضا، شرط تحقق جعل نیست، بنابراین، همین که شخصی با قصد تقلب به جای صاحب حساب، چک را امضا کند این عمل نوعی سندسازی است و تحت عنوان جعل قابل پیگردمی باشد هرچند امضا شباهتی با امضای صاحب حساب نداشته باشد.

بدیهی است چنانچه امضا کننده چک وانمود کند که چک از حساب جاری خودش می‌باشد و پس از امضا، آن را به دیگری واگذار و در ازای آن مالی تحصیل کند، عمل او توسل

به وسایل متقلبانه است و مصداق کلاهبرداری می‌باشد. مثل موردی که دسته چکی پیدا و از آن به طریق فوق سوء استفاده کند بدون آن که صاحب حساب رابشناسد.

به حکایت محتویات پرونده آقای الف، از سندیا نوشته معتبر آقای ب، فتوکپی یا عکسبرداری کرده و سپس بر روی فتوکپی یا عکس که اصولاً فاقد ارزش حقوقی است مشخصات خودش را درج نموده و آن را مورد استفاده قرار داده است، آیا عمل چنین شخصی جعل و استفاده از سند مجعول محسوب می‌شود یا خیر؟^(۱۰)

پاسخ ::

هرکس با اخذ فتوکپی یا عکس از سندی، مشخصات خود را در آن درج نماید و از آن استفاده کند مرتکب بزه جعل نشده زیرا فتوکپی فی نفسه فاقد اعتبار است مگر آنکه مطابقت آن با اصل از طرف مرجع صلاحیت دارگواهی شده باشد. در این حال جرم جعل و استفاده از سند مجعول هر دو محقق خواهد بود.

ب) تغییر و تحریف در سند، نوشته، امضا و ...

راه‌های مختلف تغییر و تحریف در سند یا ... را می‌توان تحت دو عنوان بررسی کرد:

۱- جعل مادی: جعل مادی زمانی محقق می‌شود که در ظاهر و صورت نوشته به صورت

فیزیکی خدشه‌ای وارد شود که ممکن است به طرق ذیل انجام پذیرد:

الف: خراشیدن - که شامل محو جزئی از کلمه یا ارقام و حروف اسناد و نوشته‌ها می‌باشد.

مثل این که یکی از دندان‌های عددی را خراشیده و آن را تبدیل به دو کرد. یا حرف نفی (ن)

را از ابتدای کلمه ((نمی‌شود)) در عبارت ((موافقت نمی‌شود)) خراشید.

ب: تراشیدن - که با آلات مخصوص مانند چاقو، تیغ و... انجام می‌شود و شامل محو و از بین بردن کل کلمه یا رقم است؛ به‌طوری‌که اثری از آن باقی نماند. برای مثال: در مدرک معادل کارشناسی، کلمه ((معادل)) را تراشیده و از بین برده تا مدرک کارشناسی به حساب آید، نه معادل کارشناسی.

ج: قلم بردن - قلم بردن عبارت است از تغییر دادن حروف یا ارقام موجود بدون این‌که کلمه و رقم جدیدی اضافه شود. مثل این‌که مرتکب با قلم بردن روی خط موجود و تغییر معنای آن، عدد یک را به دو یا سه و... تبدیل کند یا در عبارت ((موافقت نمی‌شود)) حرف ((میم)) را پررنگ‌تر کند تا ((می‌شود)) خوانده شود.

د: محو کردن - محو کردن شامل از بین بردن تمام یا قسمتی از نوشته‌ها و اسناد به هر وسیله ممکن غیر از خراشیدن و یا تراشیدن است. وسیله مورد استفاده ممکن است مواد شیمیایی با مداد پاک کن و غیره باشد. (وسیله به کار برده شده در محو، با تراشیدن فرق دارد).

مثال: چکی در وجه فردی با ذکر نام نوشته شده، جاعل نام این فرد را با مواد شیمیایی پاک می‌کند.

ه - الحاق: اضافه کردن کلمه یا علامتی به نوشته و... است به‌طوری‌که مفهوم و معنای آن را تغییر دهد؛ مانند اضافه کردن نقطه در جلوی عدد روی چک.

و- اثبات کردن: اثبات یعنی این‌که علامت بطلان یک سند یا نوشته از بین برده شود؛ مثلاً مهر باطل شد را از روی یک سند پاک کند.

ز- سیاه کردن: سیاه کردن یعنی ناخوانا کردن کلمه یا عبارت از یک سند یا نوشته به وسیله ایجاد لکه جوهر و مرکب یا خط کشیدن روی آن.

ح- تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی: در این حالت، جعل با تغییر متقلبانه تاریخ نوشته یا سند عملی می‌شود بدون این‌که در متن سند و نوشته تغییری داده شود که ممکن است یا به صورت جعل مادی باشد؛ مانند این‌که تاریخ روی برگه مرخصی، مقدم یا مؤخر شود و یا به صورت جعل مفادی است مانند این‌که کسی به دیگری بگوید فلان تاریخ را روی این سند بنویس و آن شخص عمداً تاریخ مقدم یا مؤخر بر آن بنویسد.

ط - الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر: الصاق آن است که اجزای یک نوشته و ... از آن جدا و به نوشته و ... دیگر الحاق یا الصاق شود؛ چه در میان کلمات باشد یا بین سطور یا به صورت مجزا.

ک- به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن:

مرتکب، مهر دیگری را بدون اجازه صاحب آن مورد استفاده قرار می‌دهد؛ یعنی مهر را ذیل نوشته و یا سندی به کار می‌برد. لذا استفاده از مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن در هر حال جعل محسوب می‌شود چه مهر به شخص سوء استفاده کننده سپرده شده باشد چه آن را از طریق دیگری بدست آورده باشد.

آقای (الف) که دارای دو فقره سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده و قصد افتتاح مغازه تعمیر وسایل برقی را داشته، یک برگ پروانه اشتغال به این امر متعلق به شخص (ب) را از مغازه او ربوده و پس از این‌که آن را به نام خود تغییر داده، عکس خویش را به آن الصاق می‌نماید.

وی بدین منظور، مغازه‌ای را اجاره کرده و به کار تعمیر تلویزیون و سایر وسایل برقی می‌پردازد. بعد از یک سال در مقام مراجعه مأموران، پروانه اشتغال مزبور مورد سوءظن واقع شده و کارشناس خط پس از معاینه، دخل و تصرف متقلبانه در نام صاحب پروانه والصاق

عکس، آن را مورد تأیید قرار داده است که در نتیجه، آقای (الف) با صدور قرار قانونی توقیف می گردد.

با توجه به صورت مسئله، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید :

اولاً : اتهام یا اتهامات انتسابی به (الف) را از مصادیق چه جرمی دانسته و با کدام یک از مواد قانون مجازات اسلامی منطبق می دانید و چه مجازاتی برای او در نظر می گیرد ؟

ثانیاً : چنانچه در جریان رسیدگی، صاحب پروانه از شکایت خود صرف نظر نماید، آیا تأثیری در وضع آقای (الف) خواهد داشت و باعث عدم مسئولیت کیفری او خواهد شد یا خیر؟

(۱۱)

پاسخ ::

۱- با توجه به تعریف سرقت، در مفهوم کلی، عمل شخص (الف) در ربایش پروانه اشتغال شخص (ب)، سرقت بوده و مشمول عنصر قانونی عام سرقت (ماده ۶۶۱ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۷۵) بوده که مرتکب به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق قابل مجازات است.

۲ - در رابطه با تغییر مندرجات پروانه اشتغال به نام خود، در صورتی که برابر تحقیقات به عمل آمده، صدور آن از ناحیه غیر مراجع در ماده (۱۲۸۷) قانون مدنی احراز شود (به نظر می رسد در مانحن فیه از ناحیه اتحادیه مربوط صادر می گردد) در نتیجه، سند عادی، از حیث استفاده از آن نیز (با نصب در مغازه) به استناد ماده (۵۳۶) قانون تعزیرات، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال قابل مجازات خواهد بود که با توجه به قاعده تعدد مادی از نوع مختلف، موضوع صدر ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، قاعده جمع مجازات ها اعمال می گردد.

با توجه به این که سه جرم انتسابی به شخص (الف) برخلاف مفهوم مخالف ماده (۷۲۷) قانون تعزیرات، واجد جنبه عمومی است، بنابراین، دادگاه صرفاً می‌تواند مستنداً به بند (۱) ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مجازات تعزیری را تخفیف داده و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد.

حسب پرونده شماره ... آقای الف، خود را مدیر عامل شرکت بازرگانی معرفی می‌نماید و مدارک ارائه شده، مؤید ادعای وی می‌باشد. اگر این شخص محل اقامت شرکت را در کارت شناسایی از یک شهر به شهر دیگری تغییر دهد، آیا عمل وی جعل محسوب می‌شود، یا خیر؟

(۱۲)

پاسخ :

اتفاق آراء :

صرف تغییر در نشانی در پرونده مطروحه، موجب قلب حقیقت و جعل و نتیجه اضرار به غیر نمی‌باشد، اما با عنایت به مفاد قانون تجارت، چنانچه با وصف تغییر در کارت شناسایی و ادامه عملیات تجاری باعث به دست آوردن مال شود، نتیجه چنین علمی به کلاهبرداری منجر و عنوان جرم کلاهبرداری مصداق دارد.

نظر کمیسیون :

نشست قضایی (۲) جزایی :

در خصوص سؤال فوق دو فرض متصور است :

۱- هرگاه صادر کننده کارت شناسایی، همان مدیر شرکت باشد، در این فرض تغییر مندرجات آن در مورد نشانی شرکت مصداق جعل نیست.

چنانچه کارت مذکور با مهر یا امضای دیگری باشد، تغییر مندرجات آن با وجود سایر ارکان بزه (از جمله قصد تقلب و قابلیت اضرار به غیر) ممکن است مصداق جعل محسوب شود.

به حکایت محتویات پرونده، تعاونی مسکن یکی از واحدهای نظامی بعد از تفکیک زمینهای خریداری شده و تعیین و ابلاغ شماره قطعه زمین هریک از اعضاء و اخذ مبالغ مربوطه از آنان (که در هر قطعه از زمین به تناسب موقعیت آن متفاوت می باشد) و قبل از تنظیم قرارداد یا سند واگذاری قطعه زمین متعلق به احدی از اعضاء را که مرغوبیت مناسبی داشته به فردی دیگر از اعضاء واگذار و در قبال قطعه زمین نامرغوب دیگری به وی تحویل می دهد، آیا مدیر عامل تعاونی تحت عنوان انتقال مال غیر قابل تعقیب است یا خیر و اساساً موضوع واجد وصف جزائی است یا حقوقی؟^(۱۳)

پاسخ :

چنانچه صورت مجلس تنظیم شده برای تخصیص قطعات زمین به اعضاء با توجه به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، رسمی باشد، تغییر نام یا سایر مندرجات آن حسب مورد، مشمول ماده ۵۳۲ یا ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. در غیر این صورت موضوع، فاقد وصف جزائی است.

در پرونده شماره نظامی با دستکاری فتوکپی مدرک تحصیلی و ارائه به یگان موفق به تحصیل، امتیاز و ترفیع درجات بالاتر و در نتیجه افزایش حقوق و مزایا و دریافت من غیر حق مال دولت گردد و در رابطه با بزه جعل با عنایت به جرم نبودن جعل در فتوکپی، قرار منع پیگرد صادر شود، آیا می توان مرتکب را به اتهام کلاهبرداری (توسل به تقلب در مدرک و بردن مال دولت) تحت تعقیب قرارداد یا خیر؟^(۱۴)

۱۳ - استعلامات قضایی قضات ص ۲۳۷ . ۲۳۸

۱۴ - استعلامات قضایی قضات ص ۲۳۶ و ۲۳۷

پاسخ :

قرار منع تعقیب مربوط به اتهام جعل است و شامل اتهامات دیگر نمی‌شود. بنابراین نسبت به اتهام یا اتهامات دیگری که مطرح نشده است امکان رسیدگی وجود دارد مگر این که نسبت به آنها هم قرار منع تعقیب صادر شده باشد.

۲- جعل مفادی یا معنوی:

شخص جاعل عمل مادی انجام نمی‌دهد، بلکه جعل حقیقت در عالم ذهن صورت می‌گیرد و به خارج منتقل و منعکس می‌شود؛ یا به عبارتی دیگر، بدون این که خدشه‌ای به ظاهر سند و ... برسد حقیقت در آن تحریف شده و مطالب منتسب به دیگران به گونه‌ای غیر واقعی در آنها منعکس می‌شود. با عنایت به ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۰۴) ق.م.ج.ن.م. و سایر مواد متفرقه در قوانین، موارد جعل مفادی را می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

الف) تحریف حقیقت در مفاد یک سند:

هرگاه طرفین عقد یا قرارداد یا یکی از آنها با متصدی و یا مأمور تنظیم سند تبانی نمایند؛ مثل این که از قول مشتری اقرار به تحویل مبیع و از قول بایع اقرار به اخذ ثمن شود، درحالی که این امور واقعیت نداشته باشد.

ب) تغییر یا جعل اسامی اشخاص:

مأمور دولت یا سردفتر حضور شخص را به عنوان طرف معامله در سند ذکر می‌کند و حال آن که شخصی که در دفترخانه حضور پیدا کرده غیر از آن کسی است که نامش در سند ذکر شده است و یا این که در موقع تنظیم سند کسی حضور ندارد ولی سردفتر با تبانی طرف معامله حضور و اقرار شخص فرضی را در سند منعکس می‌کند.

ج) امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل جلوه دادن:

در این مورد جاعل با توجه به نوشته یا سند باطلی مبادرت به تنظیم سند برخلاف واقع می‌نماید؛ مانند این که سردفتر اسناد رسمی به استناد وکالت‌نامه باطل، سند انتقال ملکی را تنظیم و ثبت می‌کند و یا به عبارتی دیگر، امری که واقع نشده، واقع شده اعلام می‌گردد؛ مانند موردی که معامله‌ای انجام نشده ولی سردفتر اسناد رسمی آن را انجام شده معرفی می‌کند.

د) چیزی را که به آن اقرار نشده اقرار شده جلوه دادن:

در این مورد امری که مورد اقرار نبوده، اقرار شده جلوه داده می‌شود؛ مانند این که در جریان دادرسی در دادگاه به متهم تفهیم اتهام می‌گردد و در پاسخ، اتهام را نمی‌پذیرد؛ ولی منشی دادگاه که صورت جلسه دادگاه را می‌نویسد به عمد به جای این که بنویسد ((اتهام را قبول ندارم)) می‌نویسد ((اتهام را قبول دارم)).

لازم به ذکر است که جعل اعم از مادی یا معنوی در صورتی تحقق پیدا می‌کند که سند جعلی مؤثر در اثبات یا نفی حقی یا امری باشد و قابلیت استناد داشته باشد. در این مورد چند نمونه از آرای دیوان عالی کشور نقل می‌گردد:

۱- رأی شماره ۱۵۱۲- ۱۳۱۷/۷/۱۰ شعبه دوم دیوان عالی کشور:

((اگر کسی عکس خود را به شناسنامه دیگری الصاق و آن را مورد استفاده قرار دهد، عمل وی جعل و استفاده از سند مجعول نیست.))

۲- رأی شماره ۲۵۷۴- ۱۳۱۹/۸/۲۵ شعبه پنجم دیوان عالی کشور:

((اگر ورقه مورد ادعای جعل دارای مهر یا امضا یا اثر انگشت کسی باشد که وجود خارجی ندارد، عمل جعل نیست؛ زیرا با وجودی که مورد مربوط نوشته است، ولی علیه متسبب‌الیه سندیت ندارد و قابل اضرار نمی‌باشد.))

۳- رأی شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۱۸/۴/۱۱ دیوان عالی کشور:

((اگر کسی در پروانه رانندگی یا پروانه دیگری که مدت اعتبار آن گذشته، تحریف و اسم خود را به جای اسم اصلی وارد کند جعل نیست؛ زیرا تحریف در ورقه بی اعتبار باطل جعل محسوب نمی شود.))

به طوری که از آرای دیوان عالی کشور مشخص می شود، برای این که معلوم شود سندی معتبر و مؤثر در مقام است و تغییرات در آن جعل به حساب می آید یا نه بایستی موضوع از جهات مختلف مورد توجه قرار گیرد و قابلیت اضرار و یا اعتبار و سندیت آن مشخص و معلوم گردد تا بتوان گفت جعل صورت گرفته است یا نه.

مطابق پرونده شماره آقای الف پس از به اتمام رسیدن اعتبار گواهینامه اش تاریخ آن را از ۸۰/۱۱/۳۰ به ۸۹/۱۱/۳۰ تغییر و آن را مورد استفاده قرار داده است، آیا عمل وی جعل و استفاده از سند مجعول محسوب می شود؟

پاسخ ::

علی رغم اختلاف نظرهایی که وجود دارد، به نظر می رسد در این گونه موارد تغییری که در سند «گواهینامه» داده می شود، در صورتی که منشاء اثر خارجی باشد و آن را معتبر جلوه دهد، جعل محسوب و در صورتی که از این گونه اسناد استفاده هم بشود، استفاده از سند مجعول محقق خواهد شد.

به حکایت محتویات پرونده آقای الف، نوشته ای را تنظیم نموده که مؤثر بودن آن منوط به امضای فرد یا افراد دیگری بوده لکن آقای الف در حین اخذ امضا از جهل و بی سوادگی امضاکننده سوء استفاده کرده و مفاد آن را به صورت غیر واقعی جلوه داده است. مثلاً مفاد نوشته مربوط به عقد بیع بوده، اما آقای الف، در حین اخذ امضا گفته است آنچه امضا می شود

مربوط به عقد اجاره می‌باشد. آیا عمل ارتكابی و اخذ امضا به چنین صورتی جرم می‌باشد یا خیر و اگر جعل تلقی شود، مادی است یا معنوی؟^(۱۵)

پاسخ :

نظر اکثریت:

با تأمل در تعریف ارائه شده از جرم جعل معنوی در قانون مجازات اسلامی، چنین برداشت می‌شود که ابتدا باید مواردی به صورت واقعی در عالم خارج وجود داشته و مورد توافق طرفین باشد سپس این نوشته‌ها به صورت غیرواقعی مرقوم شود تا این عمل مشمول جعل شود. درپرونده فوق با توجه به شرایط ذکر شده، جرم جعل معنوی محقق نخواهد بود مگر اینکه پیش از تنظیم نوشته بین طرفین جهت مرقوم و مکتوب نمودن عقد اجاره توافق شده باشد اما نویسنده عقد بیع را در نوشته منعکس نموده باشد و با غیرواقعی جلوه دادن مفاد نوشته، مبادرت به اخذ امضا نماید که دراین صورت جعل معنوی رخ خواهد داد.

نظر اقلیت :

عمل ارتكابی آقای الف، جرم جعل می‌باشد، چرا که به هر حال واقعی در عالم خارج وجود داشته و به صورت لفظی به شکل غیر واقعی جلوه داده شده است و شخص امضاء کننده نوشته را به این عنوان که حاوی عقد اجاره است امضا کرده، در حالی که اگر می‌دانست متضمن عقد بیع است، از امضای ذیل آن خودداری می‌کرد و تفاوت نمی‌کند که نوشته چه موقعی تنظیم شده باشد. به هر حال صرف غیرواقعی جلوه دادن مفاد آن و سپس اخذ امضا برای تحقق جرم جعل معنوی، کفایت می‌کند و این با موردی که شخص مطلبی اظهار کند و نگارنده، این مطالب را به صورت غیرواقعی و برعکس مرقوم دارد سپس امضا اخذ شود، تفاوتی ندارد.

نظر کمیسیون:

نشست قضایی (۲) جزایی : ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامی راجع به جعل یا تزویر اسناد و نوشته‌های عادی به طور مطلق است و شامل جعل مادی و جعل مفادی می‌شود، بنابراین، در فرض سؤال، تحریف کننده طبق ماده مذکور قابل تعقیب و مجازات است.

ج) رکن معنوی جعل

جرم جعل از جمله جرایم مادی صرف نمی‌باشد، بلکه نیازمند به عنصر روانی جرم است که بدون احراز عنصر روانی، جاعل را نمی‌توان تحت تعقیب قرار داد. قانونگذار در ماده (۵۲۳) که به بیان مصادیق جعل پرداخته، در انتهای ماده مذکور قید ((به قصد تقلب)) را افزوده است. لذا برای تحقق عنصر روانی جرم جعل باید قصد ساختن یا تغییر دادن احراز شود و از طرفی، مرتکب قصد خاص فریب دادن دیگران را از نوشته و یا سند جعل داشته باشد. دیوان عالی کشور هم سوءنیت را از عناصر لازم برای جرم جعل دانسته است و رویه قضایی هم بر همین منوال است.

د) رکن ضرری (اضرار به غیر در جعل)

همان‌طوری که قبلاً بیان شد، جعل در صورتی جرم و قابل مجازات است که علاوه بر دارا بودن سایر ارکان، متضمن ضرر بالقوه یا بالفعل به دیگری یا اجتماع هم باشد. دیوان عالی کشور دریکی از آرای خود اشعار می‌دارد: ((اضرار آنی شرط تحقق جرم جعل نیست، بلکه عمل جعل اگر در آینده و حتی بالقوه متضمن ضرر دیگری باشد مورد یا موارد مربوط به جعل منطبق است. بنابراین، از بین بردن عمدی سند مجعول اصولاً مانع تعقیب جرم نخواهد بود.))

بنابراین، انواع ضرری که تحقق آن شرط محقق شدن جرم جعل است عبارتند از:

اول- ضرر مادی: که متوجه دارایی و اموال شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می شود.

دوم- ضرر معنوی: زمانی است که متوجه اعتبار و شهرت و حیثیت خانوادگی و شغلی شخص شود.

سوم- ضرر اجتماعی: اصولاً ضرر اجتماعی در مورد اسناد دولتی مطرح می شود و می تواند هم به صورت ضرر مادی (اسناد مالی) و یا به صورت ضرر معنوی باشد؛ ممکن است ضرر معنوی متوجه اشخاص از نظر حیثیت و اعتبار آنها گردد و هم می تواند برای دولت نیز مضر باشد و اعتماد عمومی مردم رانسبت به صحت و درستی اسناد و یا اعتبار آنها متزلزل کرده و باعث سلب آسایش عمومی گردد؛ مثلاً برگه مرخصی به مدت ده روز برای سربازی توسط مسئول مربوط صادر می شود و او مدت مذکور را تبدیل به بیست روز می کند؛ در این جا ضرر مادی و معنوی مطرح نیست، ولی ضرر اجتماعی مطرح است. لازم به ذکر است که رکن ضرری که مطرح گردید مبنای قانونی ندارد، بلکه رکن ضرری به صورت رویه قضایی درآمده و اکثر صاحب نظران حقوق در این مسئله اتفاق نظر دارند. دیوان عالی کشور نیز ضرر معنوی که مربوط به اجتماع می شود را برای تحقق بزه جرم جعل کافی دانسته است.

رای شماره ۱۷۲۱ مورخ ۱۳۲۱/۶/۲۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور در این خصوص مقرر داشته است: ((اگر کارمند دولت برای استفاده از مرخصی، برگه گواهی نامه پزشکی جعل نماید، هرچند مرخصی او بدون استفاده از حقوق باشد، عمل او جعل محسوب است. چه برای تحقق بزه جعل، اضرار اعم از ضرر مالی و غیرمالی می باشد و اگر در این مورد ضرر مالی متوجه خزانه دولت نشده باشد صرف استفاده از وقتی که می بایست صرف خدمت دولت شود

به وسیله ساختن نوشته برخلاف حقیقت، جعل به شمار می‌رود و استفاده از آن نیز بزه محسوب خواهد بود.))

در صورتی که بر اثر جعل و یا استفاده از سند مجعول ضرری اعم از مادی یا معنوی متوجه نیروهای مسلح گردد مرتکب وفق ماده (۱۳۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح موظف به جبران خسارات وارده می‌باشد و رسیدگی به این گونه موارد نیاز به تقدیم دادخواست ندارد و محاکم مکلفند به صرف تقاضای شاکی یا دادستان نسبت به ضرر و زیان وارده رسیدگی و حکم مقتضی صادر نمایند و در صورتی که در این رابطه منافعی کسب کرده و یا امتیازاتی گرفته باشد وفق ماده (۱۱۶) قانون مذکور منافع مکتسبه مسترد و امتیازات حاصله لغو می‌گردد.

در پرونده مطروحه، چکی در وجه آقای الف صادر شده است و دارنده چک آن را به عنوان پرداخت این بدون ظهر نویسی به آقای ب منتقل نموده است و آقای ب رأساً و با ظهر نویسی (گذاشتن امضای آقای الف) اقدام به وصول وجه چک نموده است، آیا آقای ب، مرتکب بزه جعل شده است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا در تحقق بزه اثبات ضرر، لازم است یا صرف واقع شدن عمل جعل با قصد تقلب جرم محقق شده است؟^(۱۶)

پاسخ :

نظر اکثریت :

در جعل، اثبات ضرر ضرورتی ندارد و در صورتی که عنصر معنوی که همان قصد تقلب است در آن موجود باشد، جعل محقق خواهد شد، چه اینکه از این عمل ضرر محقق شود یعنی حاصل شود یا اینکه صرفاً جاعل از آن در جهت اثبات حقی استفاده نماید ولیکن نفعی برای ایشان ایجاد نشده یا ضرری به دیگری وارد نشده باشد و اما در مانحن فیه با توجه به اینکه سوء

نیتی در عمل جاعل نبوده است (قصد تقلب) در نتیجه از این باب می شود امضا کننده را مبرا از مجازات دانست.

نظر اقلیت :

با توجه به اینکه بزه جعل، منوط به اثبات ضرر می باشد، لذا وجود ضرر واثبات آن در تحقق بزه ضروری است.

نظر کمیسیون :

نشت قضایی (۲) جزایی :

قصد تقلب و قابلیت اضرار به غیر، از ارکان تشکیل دهنده جرم جعل است. در نهایت اضرار آنی شرط نبوده، بلکه اضرار بالقوه برای تحقق جرم کافی است، بنابراین، اثبات ورود ضرر، لازم نمی باشد و همین قدر که قابلیت اضرار، اعم از مالی یا غیرمالی وجود داشته باشد، جرم جعل تحقق می یابد، در فرض سؤال، چون چک در وجه شخص معین بوده و به دیگری واگذار شده (هرچند بدون ظهرو نویسی) عمل انتقال گیرنده با قصد تقلب و اضرار به غیر، صورت نگرفته است، تحت عنوان جعل قابل مجازات نیست.

مصادیق جعل مادی در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح :

همان طوری که بیان شد، جرم جعل مادی همواره به شکل فعل مثبت خارجی تحقق پیدا می کند؛ لذا مصادیق جرم جعل مادی با عنایت به قوانین مذکور به طور خلاصه بیان می گردد:

- ۱- جعل حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط فرماندهی کل قوا. (ماده ۹۵ ق.م.ج.ن.)
- ۲- جعل حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط مقام معظم رهبری و رؤسای سه قوه. (موضوع ماده ۵۲۴ ق.ا.م.)

- ۳- جعل حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط سایر مقامات دولتی (موضوع ماده ۵۲۵ بند ۱ ق.ا.م.)

۴- جعل امضا یا مهر یا حکم فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح در رده فرمانده نیرو یا همتراز و بالاتر (موضوع ماده ۹۶ ق.م.ج.ن.م.).

۵- جعل مهر، تمبر، منگنه و علامت یکی از شرکتها و مؤسسات دولتی (موضوع بند ۲ ماده ۵۲۵ ق.ا.م.).

۶- جعل مهر، تمبر و منگنه یا علامت یکی از نهادهای عمومی غیردولتی. (موضوع ماده ۵۲۸ ق.ا.م.).

۷- جعل مهر، تمبر و منگنه یا علامت یکی از شرکتهای دولتی. (موضوع ماده ۵۲۹ ق.ا.م.).

۸- جعل مهر، تمبر، منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح. (موضوع ماده ۱۰۰ ق.م.ج.ن.م.).

۹- جعل احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله‌های صادر شده از خزانه دولت (موضوع بند ۳ ماده ۵۲۵ ق.ا.م.).

۱۰- جعل منگنه یا علامتی که برای تعیین طلا یا نقره به کار می‌رود. (موضوع بند ۳ ماده ۵۲۵ ق.ا.م.).

۱۱- جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی یا اسناد و اوراق بهادار و حواله‌های صادر شده از خزانه. (موضوع بند ۵ ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

لازم به ذکر است، جعل اسکناس رایج داخلی در صورتی که با قصد براندازی نظام و یا عضویت در باند باشد براساس ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، مجازات محارب را در پی خواهد داشت و در صورتی که جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی و سایر اسناد بانکی و اوراق و اسناد بهادار یا حواله‌های صادر شده از خزانه به قصد اختلال در نظام پولی یا بانکی یا اقتصادی و یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی باشد، در صورتی که

محارب شناخته نشود، مرتکب به حبس از پنج تا بیست سال و در صورت عدم احراز چنین قصدی، وفق بند ۵ ماده (۵۲۵) به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد.

۱۲- جعل حکم یا امضا یا مهر سایر فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح (موضوع ماده ۹۷ ق.م.ج.ن.م).

۱۳- جعل مدارک تحصیلی. (موضوع ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی)

۱۴- جعل در اسناد و نوشته‌های غیررسمی. (موضوع ماده ۵۲۶ قانون م.ا. و ماده ۱۰۶ قانون م.ج.ن.م).

۱۵- جعل در اسناد و نوشته‌های رسمی. (موضوع ماده ۱۰۳ قانون م.ج.ن.م. و مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ ق.م. اسلامی)

۱۶- عکس برداری از اوراق و مدارک. (موضوع ماده ۵۳۷ ق.م.ا.).

۱۷- جعل گواهی پزشکی. (موضوع ماده ۵۳۸ ق.م.ا.).

۱۸- صدور گواهی نامه خلاف واقع. (موضوع مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ ق.م.ا. و ماده ۷۹ قانون م.ج.ن.ا.).

۱۹- شرکت در آزمون به جای دیگری یا شرکت دادن دیگری به جای خود. (موضوع ماده ۵۴۱ ق.م.ا.).

۲۰- وفق ماده (۱۳۱ ق.م.ج.ن) هرگونه تغییر یا حذف اطلاعات، الحاق، تقدیم یا تاخیر تاریخ نسبت به تاریخ حقیقی و نظایر آن که به طور غیر مجاز توسط نظامیان در سیستم رایانه و نرم افزارهای مربوط صورت بگیرد جعل و حسب مورد مرتکب به مجازات مندرج در مواد مربوط محکوم خواهد شد.

« مصادیق جعل معنوی در قانون مجازات اسلامی و قانون م.ج.ن.م. »

همان‌طوری که قبلاً بیان شد، تحقق جرم جعل مادی تنها به شکل فعل مثبت قابل تحقق بوده و در این زمینه تقریباً اجماع وجود دارد. در جعل مفادی نیز عده‌ای همین نظر را دارند؛ ولی عده‌ای دیگر معتقدند که ترک فعل اگر حاکی از تحریف حقیقت باشد دلیلی ندارد که جعل مفادی محسوب نگردد. برای مثال: اگر منشی دادگاه در تقریرات خود اظهارات متهم را حذف کند، مثلاً متهم بگوید ((اتهام خود را قبول ندارم)) و منشی دادگاه از روی علم و عمد این جمله را به ضرر متهم حذف کند و ننویسد؛ مرتکب ترک فعل گردیده و عمل وی از مصادیق جعل مفادی است.

نکته مهمی که در جعل مادی یا مفادی قابل ذکر است، این است که سند یا نوشته باید از لحاظ ماهیت ساختگی و تقلبی باشد. به بیان دیگر، تقلب در اصل و ماهیت سند باشد؛ در صورتی که فردی اطلاعاتی که ارایه می‌دهد دروغ و کذب باشد، هرچند که به صورت کتبی باشد، چون سند یا نوشته از نظر ماهیت تقلبی نیست نمی‌توان آن را جعل محسوب کرد؛ مگر با وجود نص قانونی. مثال اگر یک نظامی بدون داشتن سمت و اختیاری، از سوی فرمانده و یا رئیس خود نامه‌ای را که به نام فرمانده یا رئیس است با نوشتن کلمه ((از طرف)) امضا می‌نماید، باز هم نمی‌توان عمل وی را جعل محسوب نمود؛ ولی اگر بر فرض، امضاکننده، کلمه ((از طرف)) را ننویسد و به جای فرمانده امضا کند، هرچند که مطابق با امضای واقعی خودش باشد. عمل مذکور، جعل امضا فرمانده محسوب می‌شود. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۸۸۰ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱۵ خود مشابه این مورد را جعل دانسته است.

«چون دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته محرز و مسلم دانسته که متهم در دفترخانه حاضر و خود را صاحب ملک معرفی و اسناد مربوط را امضا و با گرفتن سند معامله خیاری از

آقای..... مبادرت به کلاهبرداری از او کرده است؛ درحالی که حضور متهم در دفترخانه و معرفی خود به نام صاحب ملک و امضای اسناد مربوط به فرض ثبوت و قطع نظر از ماده (۱۰۰) قانون ثبت، از جرایم مذکور در ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی (ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی) می باشد که درمورد غیر اجزاء و صاحب منصبان دولتی باید ماده (۱۰۳) قانون مزبور (ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی) رعایت شود و دادگاه به این امر توجه و رسیدگی نکرده؛ بنابراین، رأی صحیح نبوده است....))

آیا جعل معنوی (مفادی) در اسناد عادی هم قابل تحقق است یا خیر؟

پاسخ

ماده (۲۹) قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، که مربوط به جعل اسناد عادی و غیر رسمی بود، مقرر می داشت:

« هرکس به طرق مذکور در اسناد....» طرق مذکور در این ماده به مواد قبل از ماده (۲۹) برمی گشت که هم شامل جعل مادی و هم جعل معنوی بود؛ لیکن در ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامی، این قید حذف گردیده و همین امر باعث اختلاف نظر بین صاحب نظران و حقوق دانان شده است. عده ای با توجه به حذف عبارت ((طرق مذکور)) در قانون مجازات اسلامی که مؤخرالتصویب است، معتقدند که در اسناد غیررسمی فقط جعل مادی قابل تحقق است؛ لیکن عده ای دیگر معتقدند که ماده (۵۳۶) قانون مذکور، کلمه ((جعل)) را به صورت مطلق آورده و جعل هم هر دو نوع است که یا مادی است و یا معنوی. ماده مذکور به یک مورد اختصاص نیافته و هر دو مورد را شامل می شود و لزومی به قید ((طرق مذکور)) در ماده نبوده است. به نظر می رسد، نظر اخیر قابل دفاع باشد و رویه قضایی هم مؤید همین موضوع است. البته این اختلاف نظر در قانون م.ج.ن.م. وجود ندارد و در ماده (۱۰۶) ((طرق مذکور)) قید شده و شامل مواد قبلی که مربوط به جعل مادی و معنوی افراد نظامی می باشد، می گردد.

از مصادیق جعل مفادی می‌توان به ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۰۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اشاره کرد، که موارد جعل مفادی در این مواد قبلاً طی چهار بند توضیح داده شد.

شروع به جعل و تزویر:

شروع به جرم، به اعمالی گفته می‌شود که مرتکب با قصد مجرمانه شروع به عملیات اجرایی نماید، لیکن درحین عمل، عواملی دخالت می‌کند که مانع از تحقق جرم می‌گردد. در مبحث جعل و تزویر، قانونگذار در ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۲۸) قانون مجازات ج.ن.م، شروع به جعل و تزویر را جرم دانسته و حداقل مجازات قانونی را برای آن تعیین نموده است. تشخیص این‌که چه مقدار از عملیات اجرایی در جعل و تزویر شروع به جرم تلقی می‌گردد به‌عهده مرجع رسیدگی کننده به جرم است. در رابطه با شروع به جرم، در این فصل سؤالاتی متبادر به ذهن می‌گردد.

سؤال ۱:

برفرض تحقق جرم « شروع به استفاده از سند مجعول»، آیا می‌توان به استناد ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، مرتکب را مجازات نمود؟

پاسخ:

صاحب‌نظران دو نظریه ابراز داشته‌اند:

گروه اول معتقدند به دلیل زیر می‌توان مرتکب را در فرض سؤال تعقیب و محکوم نمود؛
اولاً: فصل پنجم مربوط به جعل و تزویر است و هرکجا که از جعل سخن گفته شده است استفاده از سند مجعول هم درکنار آن مطرح شده است.
ثانیاً: عنوان فصل پنجم، جعل و تزویر است و در ماده (۵۴۲) به‌همین عنوان بسنده شده است.

ثالثاً: قانونگذار در کلیه موارد، مجازاتهای مشابه و یکسانی برای جعل و استفاده از سند مجعول در نظر گرفته است.

گروه دوم معتقدند فقط در صورتی که شروع به جعل برای مرجع قضایی احراز گردید می‌توان مرتکب را تحت تعقیب و مجازات قرار داد و دلایلی به شرح ذیل بیان می‌کنند:

اولاً: تفسیر موسع قوانین جزایی، خلاف اصل است و باید مضیق تفسیر شود.

ثانیاً: در هر کجا که تفسیر موسع به ضرر متهم باشد باید از آن اجتناب نمود.

ثالثاً: به فرض این که شروع به جرم در استفاده از سند مجعول امکان داشته باشد؛ ولی قانونگذار شروع به جرم را در استفاده از سند مجعول جرم ندانسته و مجازاتی برای آن تعیین ننموده است. با توجه به استدلال طرفین، به نظر می‌رسد، نظر دوم از نظر موازین و اصول حقوقی قابل قبول‌تر باشد و رویه قضایی حاکم در مراجع قضایی نیز مؤید این نظر است.

سؤال ۲ :

آیا به استناد ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، می‌توان شروع به جعل را در سایر قوانین متفرقه مربوط به جعل تسری داد؟

پاسخ :

ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، اطلاق ندارد و افاده عموم هم نمی‌کند، بلکه قانونگذار محدوده آن را به همان فصل پنجم مبحث جعل و تزویر مقید نموده است و نمی‌توان ماده مذکور را برای مجازاتهای شروع به سایر جعلها که در قوانین متفرقه آمده است، تسری داد. برای این که شروع به ارتکاب جعل قابل مجازات باشد باید به خود قوانین مربوط مراجعه نمود. در صورتی که شروع به جرم را قابل مجازات بدانیم می‌توان مرتکب را تعقیب و مجازات

نمود و در غیر این صورت، اگر اقدامات انجام شده جرم باشد می‌توان به همان جرم وی را محکوم نمود.

جرم جعل در سایر قوانین متفرقه:

علاوه بر مبحث جعل و تزویر در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانونگذار در قوانین مختلفی به برخی از انواع جعل پرداخته که موارد ذیل را می‌توان نام برد:

۱- ماده (۱۹) قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۶، راجع به جعل تمبر یا پاکت یا کارت پستی یا علامت نقش تمبر.

۲- ماده (۱۰۰) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰، راجع به انواع جعل که کارمندان ثبت اسناد و املاک و یا صاحبان دفاتر اسناد رسمی مرتکب می‌شوند.

۳- ماده (۶) قانون اصلاح قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب سال ۱۳۶۷، راجع به جعل گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور.

۴- قانون منع خرید و فروش کپنهای کالاهای اساسی مصوب ۱۳۶۷، راجع به جعل کالا برگ.

۵- در مواد مختلفی از جمله قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۴، قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵ و اصلاحیه آن، قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴، راجع به جعل و تزویر در انتخابات.

۶- ماده (۳۷) قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۲/۵، راجع به جعل توسط کارشناسان رسمی.

۷- بند هـ ماده یازده قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب سال ۱۳۱۱، راجع به جعل تصدیق صدور و ورود.

۸- قانون تخلفات، جرایم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۷۰، راجع به انواع جعل در اسناد سجلی.

۹- ماده (۶۰) قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳ و اصلاحات بعدی در سال ۱۳۶۸، راجع به انواع جعل برای فرار از خدمت وظیفه عمومی.

۱۰- ماده (۸) قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸، راجع به انتقال مال غیر به وسیله سند رسمی.

۱۱- قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۸، راجع به جعل اسکناس رایج داخلی. (قبلاً در این خصوص توضیح داده شد).

استفاده از سند مجعول

/ استفاده از سند مجعول گرچه مکمل جرم جعل است لیکن شرایط تحقق جداگانه‌ای دارد و یا به عبارت دیگر جرم مستقلی است که همانند سایر جرایم دارای ارکان تشکیل دهند خاص است.

ارکان تشکیل دهنده جرم استفاده از سند مجعول

الف - رکن قانونی :

همانطوری که در رکن قانونی جعل بیان گردید در صورتی فعل یا ترک فعل جرم است که قانونگذار آن را جرم دانسته و مجازاتی برای آن در نظر گرفته باشد، اکثر موادی که راجع به جعل آمده در کنار آن هم استفاده از سند مجعول آمده است و در مواردی هم استفاده از سند

مجعول در مواد جداگانه‌ای آمده مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته است مانند ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۱۰۵ ق.م.ج.ن.م.

ب - رکن مادی :

در رکن مادی موارد ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱ - سمت مرتکب:

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی و قوانین متفرقه مربوط به جعل و استفاده از سند مجعول از عبارت « هر کس » استفاده نموده که شامل همه افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، می‌گردد. اما در بعضی از قوانین متفرقه و از جمله فصل جعل و تزویر در ق.م.ج.ن.م نسبت به سمت اشخاص تأکید کرده و قایل به تفکیک شده است.

۲ - موضوع جرم:

موضوع جرم استفاده از سند و یا اشیاء مجعول می‌باشد و تا هنگامی که سند، نوشته یا شیئی ای جعل نشده باشد، استفاده از آن هم متصور نخواهد بود، استفاده از سند مجعول بر خلاف جرایم مقید منوط به حصول نتیجه مجرمانه یا تحقق اضرار به غیر نیست و صرف تحقق آن با علم به مجعول بودن قابل مجازات است.

۳ - فعل مرتکب :

فعل مرتکب به صورت یک فعل مادی مثبت خارجی است که به صرف تقدیم، ابراز، تسلیم، رایه کردن، واگذار کردن، استناد کردن، انتشار دادن و نظایر آن محقق می‌گردد مثلاً اگر یک نظامی برگ مرخصی مجعول را به دژبان جهت خروج از پادگان رایه دهد مرتکب استفاده از سند مجعول گردیده است هر چند که مأمور با آگاهی یافتن به جعلی بودن برگه مرخصی به آن ترتیب اثر ندهد و از خروج نظامی مذکور جلوگیری نماید. شعبه پنجم دیوانعالی کشور در رأی شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۳۱۸/۹/۳ چنین اشعار داشته: « اگر کسی ورقه

مجعول منتسب به طرف خود را به دادگاه حقوق برای استفاده بدهد و مجعولیت آن از نظر دادگاه ثابت گردد نمی‌توان به عنوان این که مجعولیت سند محرز شده و فایده نبخشیده او را تبرئه نمود، چه آن که به محض تقدیم سند مجعول به دادگاه و استناد به آن علیه طرف، عمل استفاده از سند مجعول تمام شده محسوب است، خواه آن سند مفید واقع شده و فایده از آن حاصل گردد یا آن که، به واسطه ثبوت جعلیت، فایده از آن عاید نگردد. « اداره حقوقی دادگستری طی یک نظر مشورتی در مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳ طی شماره ۷/۱۱۰۸۷ چنین اعلام نظر نموده است :

« هر چند در قانون ، شروع به جرم استفاده از سند مجعول جرم شناخته نشده است، ولی به لحاظ این که قانونگذار در جرم استفاده از سند مجعول تکیه روی استفاده دارد همین اندازه که کسی سند مجعول را با علم به تزویر و جعلی بودن آن به منظور استفاده ابراز نماید، بزه استفاده که فی نفسه بزه مستقلی است، تحقق پیدا می‌کند به عبارت دیگر تحقق بزه استفاده از سند مجعول منوط به تحقق و حصول نتیجه آن نیست ، مگر آن که سایر ارکان جرم ، مانند سوء نیت و یا علم بر مجعول بودن سند از جانب متهم، احراز نشود که در این صورت جرم استفاده از سند مجعول محقق نخواهد شد .»

اما عده‌ای معتقدند (از جمله دکتر سپهوند) در اسناد و نوشته‌های جعلی که غیر مادی هستند صرف ارایه آن جرم استفاده از سند مجعول محقق می‌گردد لیکن اگر نوشته یا سند جعلی جزو اسناد مالی باشد صرف ارایه آن تا زمانی که از آن استفاده مالی نگردد، جرم استفاده از سند مجعول تحقق نیافته است مثلاً اگر کسی یک چک مجعول را جهت وصول به بانک ارایه دهد ولی بانک متوجه جعلی بودن چک گردد و یا بدلائل دیگر بانک از پرداخت چک امتناع نماید در مانحن فیه صرف ارایه چک به بانک استفاده از سند مجعول نیست مگر این که شروع به استفاده از سند مجعول را جرم تلقی نماییم و به این استناد عمل مرتکب را

جرم بدانیم هر چند که شروع به جرم متعاقب قصد ارتکاب جرم و انجام اقدامات مادی برای رسیدن به مقصد است و اگر با مانع برخورد کند و محقق نشود عنوان شروع به جرم پیدا می‌کند، البته عده‌ای معتقدند شروع به استفاده از سند مجعول با عنایت به سکوت قانونگذار جرم نیست.

ج - رکن معنوی استفاده از سند مجعول:

در رکن معنوی این جرم اولاً مرتکب باید عمداً سند جعلی را مورد استفاده قرار دهد یا به عبارت دیگر مرتکب با علم به جعلی بودن سند در استفاده از آن عمد داشته باشد.

ثانیاً: حداقل باید احتمال ورود ضرر اعم از مادی یا معنوی به شخص دیگر اعم از حقیقی یا حقوقی وجود داشته باشد. شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۶۱۳ مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۱۸ چنین نظر داده است:

« در مورد به کار بردن گواهی‌نامه تحصیلی مجعول اگر محرز شود که متهم عالم به مجعول بودن گواهی نبوده و استفاده مالی نیز نداشته باشد عمل مشمول هیچ یک از قوانین جزایی نخواهد بود.»

مجازات استفاده از سند مجعول :

استفاده از سند مجعول همانند جعل جرم مستقلی است و می‌بایستی مجازات جداگانه‌ای داشته باشد که این مجازات‌ها به دو صورت بیان گردیده است .

۱ - بین مجازات جعل و استفاده از سند مجعول هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد و قانونگذار در یک ماده مجازات هر دو جرم را یکسان مشخص نموده است و فرقی بین آنها قایل نشده است، بیشتر مواد مربوط به جعل در قانون مجازات اسلامی و یا قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مجازاتهای تعیین شده برای هر دو جرم یکسان می‌باشد.

۲- قانونگذار در بعضی از موارد مجازات جرم استفاده از سند مجعول را به طور جداگانه تعیین و مشخص نموده است مانند ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۰۵ و ۱۰۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، که مجازات مرتکبینی که با علم و آگاهی به جعلی بودن اسناد، آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند، مشخص نموده است.

۳- در صورتی که جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده نماید مرتکب یک جرم شده یا دو جرم؟ جرم جعل و استفاده از سند مجعول هر یک جرم مستقل و جداگانه می‌باشد و قانونگذار برای هر کدام مجازات مستقلی پیش‌بینی نموده است، در صورتی که جاعل خود از سند مجعول استفاده نماید چون استفاده از سند مجعول دارای عناصر جداگانه‌ای غیر از جعل می‌باشد به مجازات استفاده از سند مجعول نیز محکوم خواهد شد مؤید این نظر رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ می‌باشد ((چون استفاده از سند مجعول عمل جداگانه است که حتی نسبت به جاعل نیز جرم جداگانه محسوب است و عبارت «با علم به تزویر مورد استفاده قرار دهد» به منظور تعمیم نسبت به غیر جاعل در قانون ذکر شده مضافاً بر اینکه ماده ۲ ملحقه به اصول محاکمات جزایی رفع هر گونه توهّم را نموده لذا، رأی شعبه ۵ دیوانعالی کشور از این جهت صحیح به نظر می‌رسد.))

حتی در ماده ۸۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که منسوخ گردیده است مقرر داشته بود «در صورتی که جاعل شخصاً از مورد جعل استفاده کند به اشد مجازات محکوم خواهد شد» که این باعث اختلاف نظر در بین دادگاه‌های نظامی شده بود. عده‌ای معتقد بودند عبارت «اشد مجازات» در جایی به کار می‌رود که دو مجازات وجود داشته باشد یکی خفیف و دیگری شدید که در این بین می‌گوییم اشد مجازات باید انتخاب شود لیکن در ماده ۸۳ دو نوع مجازات تعیین نشده است و اگر جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده نماید یک مجازات دارد و آنهم مجازات اشد و عده‌ای دیگر معتقد بودند که جرم جعل و استفاده از سند مجعول دو

جرم جداگانه و مستقل از یکدیگر می‌باشد و هیچ فرقی بین جاعل و غیر جاعل در مورد استفاده از سند مجعول وجود ندارد و مرتکب به طور مستقل مجازات خواهد شد و اگر شخص جاعل استفاده کننده هم باشد علاوه بر مجازات جعل در مورد استفاده از سند مجعول به حداکثر مجازات جعل حسب مورد محکوم خواهد شد این دو برداشت از ماده مذکور باعث صدور آراء متهافت گردید که منجر به رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ گردید.

« نظر به اینکه به موجب مواد (۷۵ تا ۸۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده (۸۳) قانون مزبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است. بنابراین بر طبق مواد مزبور، استفاده از سند مجعول، عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است، بنابه مراتب دادنامه شماره ۶ مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۸ که به موجب آن با رعایت تعــــدد و ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است، این رأی که بر طبق ماده (۳) اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردیده در موارد مشابه لازم الاتباع می‌باشد.»

به حکایت محتویات پرونده آقای الف، چک مجعولی را مورد استفاده قرار می‌دهد با علم و اطلاع از مجعول بودن چک اتومبیلی را می‌خرد، سپس اتومبیل را می‌فروشد و به عنوان ثمن آن، دو فقره چک تحصیل می‌کند و سپس به عنوان بدهی خود آن را به شخص دیگری منتقل می‌کند در این صورت آیا:

۱- اتومبیل که بدون واسطه از طریق سند مجعول حاصل شده است تحصیل مال مجرمانه

تلقی می‌شود و قابل توقیف می‌باشد؟

۲- دو فقره چک حاصل از فروش اتومبیل از سوی آقای الف ، درامتداد تحصیل مال مجرمانه است یا خیر؟

۳- اگر بدون اطلاع از مجعول بودن، سند آن اتومبیل حاصل شود عنوان مجرمانه دارد یا خیر؟^(۱۷)

پاسخ ::

نظر اکثریت :

- ۱- به علت تحصیل مجرمانه، اتومبیل قابل توقیف و استرداد می باشد.
- ۲- دو فقره چک های حاصل از فروش اتومبیل از سوی متهم به عنوان ثمن در امتداد کلاهبرداری نیست و رابطه حقوقی جداگانه به حساب می آید و از طریق دادخواست حقوقی علیه ایادی غصب، قابل مطالبه می باشد.
- ۳- عنوان مجرمانه دارد.

نظر اقلیت :

در امتداد تحصیل مال مجرمانه است و از طریق کیفری قابل توقیف و استرداد می باشد.

نظر کمیسیون :

نشست قضایی (۲) جزایی :

- ۱- با توجه به مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی، مالی که بر اثر جرم تحصیل شده باشد، باید به صاحبش مسترد شود، در فرض سؤال، چون تحصیل اتومبیل در اثر جرم استفاده از چک مجعول صورت گرفته، مشمول مواد فوق است و باید توقیف و به صاحبش مسترد شود.
- ۲- درمورد فروش اتومبیل و اخذ دو فقره چک درازای آن نیز با توجه به استرداد اتومبیل و این که تحصیل چک ها مشروع نبوده است، چنانچه چک های مذکور در ید متهم باشد، باید

توقیف و به خریدار اتومبیل برگردانده شود و در غیراین صورت ذی نفع باید مطابق مقررات حقوقی، طرح دعوا نماید.

۳- یکی از ارکان جرم استفاده از سند مجعول، علم به مجعول بودن سند است، بنابراین، چنانچه عالم به مجعول بودن سند نباشد، عنوان مجرمانه ندارد.

مطابق پرونده شماره آقای الف سند جعلی را جهت بهره بردن از موضوع آن به مأمور دولتی ارائه می نماید، آیا مرتکب بزه استفاده از سند مجعول شده است؟ به عبارت دیگر آیا منظور از استفاده از سند مجعول، صرفاً ارائه آن جهت فایده بردن است و یا اینکه نفع بردن حقیقی از ارائه است؟^(۱۸)

پاسخ :

در بزه استفاده از سند مجعول تکیه روی استفاده است. همین اندازه کسی سند مجعول را با علم به مجعول بودن آن به منظور استفاده ابراز نماید، بزه استفاده از سند مجعول تحقق پیدا می کند به عبارت دیگر تحقق بزه استفاده از سند مجعول منوط به تحقق و حصول نتیجه آن نمی باشد مگر آنکه سایر ارکان جرم مانند سوء نیت و یا علم به مجعول بودن سند از جانب متهم احراز نشود که در این صورت بزه استفاده از سند مجعول محقق نخواهد شد.

معاذیر قانونی مؤثر در مجازات بعضی از اقسام جعل و استفاده از سند مجعول

قانونگذار برای جلوگیری از جعل اسناد و اشیائی که امنیت و ثبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را دستخوش تغییر و اعتماد عمومی جامعه را سلب می نماید در بعضی از موارد مرتکبین جعل اسناد و اشیاء و یا استفاده از آنها را تحت شرایطی از تعقیب و یا مجازات معاف دانسته است .

الف - موارد معافیت و یا تخفیف از مجازات در قانون مجازات اسلامی و قانون

مجازات جرایم نیروهای مسلح

به موجب ماده ۵۳۱ قانون . م . ا و ماده ۱۰۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مرتکبین برخی از جرایم جعل و استفاده از سند مجعول با داشتن شرایط ذیل از مجازات معاف و یا در مجازات آنها تخفیف داده می شود.

- ۱- منظور از عبارت « موارد قبل » محدود به جرایم مذکور در مواد ۵۲۴ تا ۵۳۰ ق . م . ا و مواد ۹۵ تا ۱۰۱ قانون مجازات ج . ن . م . می باشد. و به سایر جرایم تسری ندارد .
- ۲ - مرتکب قبل از کشف و تعقیب موضوع را به مأمورین ذیصلاح اطلاع و سایر مرتکبین را معرفی کند یا مرتکب بعد از تعقیب وسایل دستگیری سایر مرتکبین جعل را فراهم آورد .
- ۳ - در صورت احراز شرایط فوق دادگاه حسب مورد مرتکب یا مرتکبین را از مجازات مندرج در مواد مذکور معاف و یا مجازات آنها را تخفیف خواهد داد .

ب - تعلیق مجازات جرم جعل و استفاده از سند مجعول

در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده دادگاه‌ها می توانند اجرای مجازات را با شرایطی که در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مشخص گردیده، تعلیق نمایند، لیکن بر طبق بند ۲ ماده ۳۰ قانون مذکور یکی از جرایمی که اجرای مجازات آن غیر قابل تعلیق می باشد، جرم جعل و استفاده از سند مجعول می باشد و در صورتی که دادگاهی اجرای آن را تعلیق نماید. رأی خلاف قانون و قابل نقض می باشد در همین رابطه شعبه ۱۶ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۴۳۱ مورخه ۷۰/۸/۱۸ چنین اظهار نظر نموده است. « مجازات جرم جعل قابل تعلیق نیست و چون دادگاه صادر کننده حکم در مورد متهم اجرای حکم مجازات را به مدت چهار ماه تعلیق نموده خلاف قانون می باشد »

نوع تأمین در مرحله دادرسی در جعل و استفاده از سند مجعول:

قاضی در اخذ تأمین از متهم می‌تواند برابر ماده (۱۳۰) ق.آ.د.ک. مصوب ۱۲۹۰ که اشعار می‌دارد: (تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و وسایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحای آثار جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد. یکی از تأمین‌های مقرر در ماده (۱۲۹) این قانون را اخذ نماید که نظر به اهمیت جرم و مجازاتهای قانونی آن و نوع سند مجعول باید تأمین مناسب اخذ نماید. اما برابر تبصره ماده (۱۳۰) مکرر ق.آ.د.ک. که مقرر می‌دارد: ((درباره کسانی که به اتهام سرقت یا کلاهبرداری و یا جعل و یا استفاده از سند مجعول مورد تعقیب قرار می‌گیرند، هرگاه دلایل و قراین موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید و یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هریک از جرایم مذکور داشته باشند، قرار بازداشت صادر خواهد شد.))

قاضی مکلف است در صورت داشتن سابقه محکومیت قبلی به علت ارتکاب جرایم یادشده، برابر تبصره این ماده رفتار و برای متهم به جعل، قرار بازداشت موقت صادر نماید.

نکته دیگر این که، از عبارت ((به علت ارتکاب هریک از جرایم مذکور)) چنین استنباط می‌شود که اگر متهم سابقه محکومیت به سرقت داشته باشد و بعد مرتکب جعل شود یا سابقه محکومیت به جعل داشته باشد سپس مرتکب جعل دیگری شود یا سابقه محکومیت به جعل داشته باشد آنگاه مرتکب سرقت گردد و غیره، با توجه به مفهوم عام عبارت ((هریک از جرایم)) و رعایت شرایط مقرر در این تبصره باید قرار بازداشت موقت صادر نمود و سابقه محکومیت قبلی منوط و محدود به جرم مشابه با جرم ارتكابی جدید نمی‌باشد؛ و فرضاً در ارتکاب جعل ضرورت ندارد که سابقه محکومیت قبلی متهم نیز حتماً به خاطر جعل باشد،

بلکه اگر به دلیل سرقت یا کلاهبرداری یا استفاده از سند مجعول هم باشد باز صدور قرار بازداشت موقت الزامی خواهد بود.

خودآزمایی

(۱) شخص نظامی (الف) با جعل تعدادی چک، موفق به برداشت مبالغی از حساب جاری مشترک خود با شخص (ب) می‌گردد. بعد از مدتی برای این که موضوع کشف نگردد به غیرنظامی (ج) که برنامه‌نویس رایانه است مراجعه و تقاضای نرم‌افزاری که بتوان با استفاده از آن صورت حساب بانکی تهیه نمود را می‌نماید. پس از تهیه نرم‌افزار، (الف) با همکاری و مساعدت (ج) با استفاده از نرم‌افزار موردنظر موفق به تهیه صورت حساب بانکی می‌گردند. (الف) آن را به (د) که یکی از کارکنان بانک است ارایه می‌دهد و نامبرده هم پس از مراجعه (ب) به بانک، صورت حساب مورد نظر را تحویل وی می‌دهد و بعد از بررسی، (ب) متوجه جعلی بودن صورت حساب می‌گردد.

حال اگر شما قاضی رسیدگی کننده به این پرونده باشید:

اولاً: اتهام یا اتهاماتی که به نامبردگان منتسب است را به تفکیک بنویسید؟

ثانیاً: صلاحیت رسیدگی به جرایم مذکور به عهده چه مرجعی می‌باشد؟

ثالثاً: در صورتی که یگان شخص (الف) از شکایت خود صرف‌نظر نماید، آیا تأثیری در مجازات مرتکبین خواهد داشت؟

رابعاً: در هر مورد، استدلال و استناد قانونی خود را بنویسید؟

(۲) شخص نظامی (الف) مسئول مالی یگان خدمتی که در همین رابطه دارای حساب جاری بوده به علت کمبود و کسری که در حساب بانکی خود داشته با همکاری و مساعدت غیرنظامی (ب) به وسیله رایانه و اسکنر تعدادی چک بانکی همانند چک‌های حساب خود را شبیه‌سازی می‌کنند. سپس (الف) با درج مبلغ کمتری در متن چکها، آنها را به یکی از کارمندان بانک به نام (ج) می‌دهد تا جایگزین چک‌های اصلی بنماید. (ج) ضمن جایگزین نمودن آنها، اصل چکها را در اختیار (الف) قرار می‌دهد که وی آنها را معدوم می‌نماید. متهمین در دادسرا

به بزه‌های انتسابی اعتراف و پرونده امر با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌گردد. با توجه به موارد مذکور و بر فرض صحت آنها، شما به عنوان رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده:

اولاً: عناوین جزایی منتسب به متهمین را به تفکیک بنویسید؟

ثانیاً: اتهامات انتسابی را با کدام یک از مقررات کیفری قابل انطباق دانسته و چه مجازاتی برای آنها در نظر می‌گیرید؟

ثالثاً: چنانچه در جریان رسیدگی، یگان خدمتی (الف) اعلام نماید که هیچ کم و کسری در حساب بانکی (الف) نبوده و یگان از وی شکایتی ندارد، چه تأثیری بر تصمیم قضایی شما خواهد داشت؟

۳) آقای (الف) بدون این که در آزمایشات رانندگی (امتحان آیین نامه و شهر) شرکت نماید با پرداخت دو میلیون ریال به آقای (ب) که در راهنمایی و رانندگی خدمت می‌کند، موفق به دریافت کارتکس تکمیل شده می‌گردد. (الف) با ارائه کارتکس به قسمت صدور گواهینامه موفق به اخذ گواهینامه رانندگی می‌شود. متعاقب آن (الف) به علت عدم مهارت در رانندگی، با خودرویی که از مقابل می‌آمده تصادف می‌کند که منجر به کشته شدن راننده خودرو مقابل می‌گردد. با توجه به مطالب فوق و بر فرض صحت آن، اگر شما رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید:

اولاً: اتهام یا اتهامات انتسابی به (الف) و (ب) را از مصادیق چه جرمی می‌دانید؟

ثانیاً: رسیدگی به اتهامات (الف) و (ب) در صلاحیت چه مرجع یا مراجعی می‌باشد؟

ثالثاً: اتهام یا اتهامات انتسابی را با کدام یک از مواد قانون منطبق می‌دانید و چه مجازاتی برای آن دو در نظر می‌گیرید؟

رابعاً: آیا (ب) از گواهینامه جعلی استفاده نموده است؟

۴) آقای (الف) به علت ممنوع الخروج بودن از کشور، به نزد یکی از دوستانش به نام (ب) که در اداره گذرنامه خدمت می‌کند، مراجعه و با پرداخت مبلغ پنج میلیون ریال و ارائه شناسنامه‌ای که متعلق به شخص دیگری بوده موفق به اخذ گذرنامه می‌گردد و برای گرفتن ویزا، (ب) وی را به شخص (ج) که در جعل ویزا فعالیت داشته معرفی می‌نماید. (ب) با پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال به (ج) موفق به اخذ ویزای جعلی یکی از کشورهای اروپایی می‌گردد؛ لیکن در حین خروج از کشور توسط مأمورین دستگیر می‌شود. با توجه به موارد فوق و بر فرض صحت آنها، اگر شما به عنوان رئیس دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده باشید:

اولاً: عناوین جزایی منتسب به آقایان (الف)، (ب) و (ج) را به تفکیک بنویسید.

ثانیاً: رسیدگی به اتهامات آنها را در صلاحیت چه مرجعی می‌دانید؟

ثالثاً: اتهام یا اتهامات انتسابی را با کدام یک از مواد قانون منطبق می‌دانید و چه مجازاتهایی برای آنها در نظر می‌گیرید.

فهرست منابع:

- ۱- مجموعه قانون مجازات اسلامی
- ۲- مجموعه قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
- ۳- نظریات اداره حقوقی دادگستری
- ۴- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی دکتر حسین میرمحمد صادقی
- ۵- جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی دکتر محمد صالح ولی‌دی
- ۶- جعل اسناد در حقوق ایران دکتر محمد سلیمان‌پور
- ۷- حقوق جزای اختصاصی جلد اول دکتر ایرج گلدوزیان
- ۸- مجموعه خودآزمایی های قضایی
- ۹- مجموعه نشستهای قضایی
- ۱۰- استعلامات قضایی
- ۱۱- تقریرات دکتر سپهوند